

## اتهام او "زناى محصنه" بود

مهري ملكوتى - وكيل - پژوهشگر

دادگاه تشكيل جلسه داد. پروين در جايگاه متهم قرار گرفت. اتهام او "زناى محصنه" بود و كيفرخواست صادره، مجازات سنگسار را پيشنهاد مى كرد. شوهر شاكى خصوصى بود، ولى جرم "زناى محصنه" در مجموعه "حق الله" قرار مى گيرد و هنگامى كه ثابت مى شود، حتى گذشت شاكى خصوصى نمى تواند، مرتكب را از مجازات "حدود الهى" كه گفته مى شود "سنگسار" يكي از آنهاست برهانند. بنا بر اين در جلسات رسيدگى، نقش وكيل مدافع بسيار اهميت دارد و مرگ و زندگى يك "انسان" تحت تاثير آن قرار مى گيرد.

پروين در مرحله تحقيقات به رابطه جنسى خارج از ازدواج اقرار کرده است. مرد هم جرم او هم در جلسه رسيدگى حضور دارد. ولى مرد هم جرم فقط متهم به ارتكاب "زنا" است و وصف احصان، شامل حال او نمى شود. در نهايت به مرگ محكوم نمى شود. چرا؟ چون مجرد است و زن ندارد. وكيل او هم در جلسه حاضر است. هر دو مجرم به صورت ظاهر مرتكب يك نوع جرم شده اند كه رابطه خارج از ازدواج است، ولى قانونگذار دو گونه مجازات براى هر يك تعيين کرده است. نظر به اين كه زن شوهر دارد و ظاهراً دسترسى به تمتع جنسى با همسر شرعى و قانونى خود داشته، مجازات مرگ انتظارش را مى كشد. اما مرد با آن كه مرتكب همان جرم شده، به سبب آن كه همسرى مشروع و قانونى در دسترس نداشته، حداكثر به يك صد ضربه شلاق محكوم مى شود كه مجازات سنگينى است، ولى با مجازات مرگ كه زن هم جرم او ممكن است به آن محكوم بشود، تفاوت دارد. بدون شك مرد هم جرم ادعا خواهد كرد كه خبر نداشته زن متاهل است. در هر حال از سنگسار نجات پيدا مى كند، اما از حد زنا نمى تواند خود را نجات بدهد.

آيا وكيل مدافع زن، دستش خالى است؟ با وجود اين همه سختگيرى هاى قانونى، وكيل نمى تواند به موكل خود كمك كند و او را از مجازات مرگ برهانند؟ صحنه را زير چشم دارم. وكيل مدافع زن با اعتماد به نفس وارد دفاع مى شود. موكلش حتى در حضور قاضى در جلسه اقرار کرده. نه يك بار كه چهاربار. بنا بر اين به نظر مى رسد، از وكيل مدافع كارى بر نمى آيد. پس چرا اين اندازه اعتماد به نفس دارد؟

دفاع از زن شروع مى شود. دست وكيل خالى نيست. پيداى مدتها روى پرونده كار کرده و مى داند چه مى كند. او ابتدا به دادگاه گزارش مى دهد كه شوهر موكلش، همسر جوان و زيبائى دارد كه از يك سال پيش او را صيغه کرده است.

حاضران در گوشى به هم مى گویند: اين كه ربطى به پرونده حاضر ندارد. كار خلاف شرع كه نكرده است.

وكيل ادامه مى دهد: مرد به ندرت به خانه همسر دائم مى آمده و فقط با بچه ها ديدار مى کرده، اما شب آنها را ترك مى کرده است. وكيل با معرفى شهود كه همسايه ها و فرزندان زن هستند به قاضى توجه مى دهد كه براى زن با آن كه شوهر داشته، دسترسى به تامين تمنيات جنسى به صورت مشروع ميسر نبوده است.

وكيل مدافع پس از ورود به مفاهيم فقهى و قانون مجازات اسلام در اين باره، برائت موكل را از اتهام "زناى محصنه" خواستار مى شود.

دادگاه شوهر را فرا مى خواند تا پاسخ بدهد. مرد از موازين فقهى و قانونى اطلاعات ناقصى دارد و مى گويد در هر حال او ناموس من است و حق نداشته به علت اين كه من مدتى با او هم خوابگى نكرده ام، بى ناموسى كند و به غيرت مردانه من صدمه بزند.

آبرويم پيش در و همسايه و اهل محل و همكارانم رفته است. بايد سنگسار بشود. اصلاً "به او چه مربوط كه من زن ديگرى گرفته ام. حكم دين را اجرا کرده ام. خلاف كه نكرده ام. وكيل شوهر دست و پاى خود را گم مى كند و متوجه مى شود در موقعيت ضعف قرار گرفته است. تقلاً مى كند دفاعيات موكل خود را رفع و رجوع كند نمى تواند.

قاضى چند شاهد را كه پشت در ايستاده اند فرا مى خواند. شهادت مى دهند كه مرد گاهى به خانه سرى مى زده و غروب از زن و فرزنداناش جدا مى شده است. البته شوهر نفقه مى داده و به بچه ها و خواسته هاى آنها رسيدگى مى کرده، اما حضورش موقت بوده و زن همواره از او نزد همگان ابراز گله مندى مى کرده است.

قاضى به تامل مى نشيند و اظهارات شاكى را بالا و پائين مى كند و شوهر را سوال پيچ. تا به صراحت در مى يابد كه شوهرمدتها پيش از وقوع رابطه جنسى خارج از زناشوى، به همسرش نزديك نمى شده است.

نتيجه:

زن به لحاظ آن که امکان تمتع جنسی به صورت شرعی نداشته از "زنا" محصنه "تبرئه و اتهام او تبدیل می شود به" زنا". سایه وحشتناک مرگ به صورت سنگسار یا اعدام محو می شود و مجازات تبدیل می شود به یک صد ضربه شلاق.

اگر عادلانه داوری کنیم، زن اساساً نباید محکوم به مجازات می شد. چون شوهر با او هم خوابگی نمی کرده و او را در مشقت جنسی قرار داده بود. شوهر با استفاده از قانون و شرع، زن زیباتر و جوان تری را به صورت موقت عقد کرده وزن دائم او، یک چنین جوازی برای کام جوئی جنسی نداشته است. در عسرو حرج کامل به سر می برده است. شاید در چنین شرایطی زن کاسه صبرش پر شده و به رابطه خارج از ازدواج تن داده است. در واقع انگیزه ارتکاب جرم را "قانون" ایجاد کرده است که به مرد انواع امکانات را برای کامیابی داده و همه را از زن دریغ کرده است. به جای آن به مردان جواز قتل ناموسی و شکایت از زن خلاف کار را تا سرحد کشتن او به دست قانون داده است. این عدالت است؟

راستی یک چنین انسان گرفتاری چرا باید علاوه بر زندگی مشقت باری که پشت سر دارد، یک صد ضربه شلاق هم بخورد؟ عقل و عدالت را وسط بگذاریم. باید در تعریف عدالت، متناسب با زمانه ای که در آن زندگی می کنیم، تجدید نظر شود.

## تجاوز به عنف، در سیستم قضائی ایران قابل اثبات نیست



فیروزه فروزانفر

کرج می شد و به سمت خانه اش می رفت. تازه عروس بود و هنوز خانه - منصوره هر روز از میدان آزادی سوار ماشین های کرایه آزادی بوی نویی و تازگی داشت.

یک روز بعد از کار منصوره سوار ماشینی شد که بقیه مسافراهایش مرد بودند. ماشینی که از میان راه به جاده فرعی پیچید و آنچه نباید اتفاق افتاد. منصوره را کنار جاده رها کردند و رفتند. عروس جوان اگر چه به نیروی انتظامی شکایت کرد ولی هرگز پس از گذشت ده سال داغ آن عصر جهنمی را فراموش نکرده است.

در دادگاه باز شد و هنوز که هنوز است متجاوزان دستگیر نشده و معلوم نیست سر چند " تجاوز به عنف " پرونده شکایت وی با عنوان نفر دیگر مثل منصوره این بلا را آورده اند.

### تجاوز به عنف و قانون

عنف در لغت به معنی خشونت و زور است و منظور از اصطلاح تجاوز به عنف انجام نزدیکی جنسی بدون رضایت زن و با استفاده از قهر تجاوز به عنف در همه کشورها مجازات شدیدی دارد و به و غلبه است. تجاوز به عنف جرمی در ردیف مجازات های جنایی است. جنایت مربوط است. در قانون جمهوری اسلامی ایران در ماده 82 قانون مجازات اسلامی مجازات تجاوز به عنف اعدام است.

اعم از دائم و موقت البته باید توجه داشت که در قوانین ایران تجاوز به عنف تنها در چهارچوب رابطه خارج از چهارچوب مشروع ازدواج - به رسمیت شناخته شده است. بنابراین توسل به خشونت جنسی در روابط میان زن و شوهر تجاوز به عنف محسوب نمی شود.

فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست

چندی پیش روزنامه خراسان در همین زمینه مصاحبه مفصلی با قاضی عزیزی از وکلا و قاضی سابق دیوان عالی کشور انجام داد و نظر وی را درباره جزای اقدامات مجرمانه تجاوز به عنف جویا شد.

وی در این خصوص گفت: طبق ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی حد زنا در ۳ مورد، قتل است و فرقی بین جوان و غیرجوان و محسن و غیرمحسن نیست که این موضوع نیز با توجه به مقررات بین المللی جای بحث و بررسی دارد. این قاضی دادگستری زنا را دارای انواع مختلف دانست و گفت: اولین مورد تجاوز به عنف به محارم نسبی است و دومین آن تجاوز مرد غیر مسلمان به زن مسلمان و بعدی زنا به عنف که موجب قتل زانی اکراه کننده است. اما نکته مهمی که در مورد تجاوز به عنف مطرح می شود، موضوع اثبات زنا و از آن مهمتر اثبات این است که آیا زنا بدون رضایت زن و با قهر و غلبه صورت گرفته است یا خیر؟ و اثبات این موضوع نیز بر عهده قربانی است. بنابراین، اگر چنانچه زنا مورد انکار مرد باشد زن باید آن را اثبات کند و در عین حال باید ثابت کند که نزدیکی بدون رضایت وی رخ داده است.

به عقیده کارشناسان، در تجاوزهای دسته جمعی مانند آنچه در خمینی شهر اصفهان و روستای قوژد کاشمر روی داده، اثبات آن زیاد سخت نیست اما در تجاوز به عنف که گاه در جامعه مواردی از آن اتفاق می افتد، قربانی باید شواهد و قرائن یا گواهی پزشکی قانونی برای اثبات جرم به محکمه ارائه کند.

دکتر بابک رزم ساز، معاون دادستان تهران و سرپرست دادرسی صادقیه با اشاره به جرم تجاوز به عنف، میگوید: اگرچه قانون ما سنگینترین مجازات را برای زنا به عنف تعیین کرده است، اما ما در تعریف این جرم، خلاء قانونی داریم. رزم ساز توضیح میدهد: تجاوز در معنای گسترده هر گونه تعرض جنسی نسبت به زن است ولی ممکن است تعرضات جنسی به اندازه تعریف شرعی زنا نرسیده باشد. حال آنکه، این مسئله به طور خاص و جداگانه در قانون، جرمانگاری نشده و لازم است در این زمینه (منبع بررسیهای لازم انجام شود).

باید متهم در نزد قاضی ۴ بار اقرار کند و اقرارهای وی در نزد پلیس ملاک رای قاضی نیست. قاضی عزیزی نیز در این باره می گوید: همچنین طبق ماده ۲۱۰ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط اثبات زنا، علم قاضی است که از طریق متعارف حاصل می شود، یعنی این که قاضی می تواند با توجه به اقرارهای کسانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند و سایر قرائن و شواهد، جرم متهم را زنا به عنف تشخیص (منبع داده و حکم صادر کند).

## اقرار و انکار

است. های میدان آزادی مورد آزار جنسی قرار داده را میان شمشاد «سوگل» مرد جوان متهم است سه سال قبل دختری به نام

من دانشجوی دندانپزشکی هستم و در شهرستان درس « سوگل ساعتی بعد از این حادثه خود را به ماموران پلیس رساند و به آنها گفت: دیروقت به تهران رسیدم. قرار بود پدرم دنبالم بیاید اما وقتی از اتوبوس پیاده شدم او را ندیدم، برای همین با - روز حادثه- خوانم. امروزمی وی تماس گرفتم و او توضیح داد کجا ایستاده است. چون مطمئن نبودم مسیری که می روم درست است از مرد جوانی سوال کردم، به من گفت از میان شمشادها بروی چند دقیقه بیشتر راه نیست.

من هم همین کار را کردم، یکدفعه احساس کردم کسی تعقیب می کند. تا بتوانم به خودم بیایم و فرار کنم آن شخص من را از پشت گرفت و همان مرد جوانی بود که از او آدرس پرسیده بودم. او مرا به زمین کوبید و مورد آزار قرار داد. هرچه سعی کردم در برابرش مقاومت کنم، نتوانستم. التماس کردم و خواستم مرا رها کند اما توجهی نکرد و به من تجاوز و بعد با لباس های پاره رهایم کرد و گریخت..

دختر جوان گفت: وقتی بلند شدم و سعی کردم کشان کشان خودم را از میان شمشادها بیرون بیاورم، متوجه شدم تلفن همراه مرد متجاوز است که آن را برداشتم و به ماموران دادم. روی زمین افتاده

وقتی پرونده تشکیل شد و به دادسرا رفت بازپرس دستور بازداشت این مرد را صادر کرد سپس مرد جوان مورد بازجویی قرار گرفت و به تجاوز اعتراف کرد..

وقتی قضات از متهم خواستند درباره اتهامش توضیح بدهد او هم اتهامش را قبول کرد و گفت که به دختر دانشجوی تجاوز کرده است. بعد از چند جلسه بازجویی و اعتراف متهم به تجاوز، جلسه محاکمه برگزار شد اما مرد جوان این بار گفت اتهام را قبول ندارد و این دختر خودش خواست با من رابطه داشته باشد قضات شعبه 72 دادگاه کیفری استان تهران بعد از محاکمه مرد جوان، وی را مجرم شناختند و او را به اعدام محکوم کردند. متهم به رای صادره اعتراض و پرونده به دیوان عالی کشور رفت.

قضات دیوان رای صادره را نقض و اعلام کردند چون او اتهامش را در جلسه محاکمه انکار کرده است بنابراین حکم درست نیست و شعبه هم عرض باید به پرونده رسیدگی کند.

این بار پرونده به شعبه 77 دادگاه کیفری استان تهران رفت و قضات این شعبه متهم را یکبار دیگر محاکمه کردند.

باشد و بعد هم چون از کارش پشیمان شد این مرد باز هم اتهام تجاوز را رد کرد و گفت: دختر دانشجو خودش خواست با من رابطه داشته از من شکایت کرد.

این انکار کارساز نبود، چرا که هیات قضات شعبه 77 اعلام کردند متهم را مجرم می‌دانند زیرا او چهار بار نزد قضات شعبه 72 به جرم خودش اعتراف کرده‌است، ضمن اینکه ادعای او در مورد دختر دانشجو نمی‌تواند صحت داشته باشد زیرا شاکی دانشجوی رشته دندانپزشکی است و شأن خانوادگی بالایی دارد و حتی اگر بخواهد با کسی رابطه داشته باشد این عمل را میان شمشادهای میدان آزادی انجام نمی‌دهد.

است. دهنده عدم تمایل او برای برقراری رابطه و این نشان ضمن اینکه دختر جوان بعد از این تجاوز دچار مشکلات روحی شدیدی شده

بار دیگر مورد اعتراض قرار گرفت و دیوان عالی کشور هم بر نظر بنابرین قضات شعبه 77 هم رای بر اعدام متهم دادند. این حکم يك خود باقی ماند، بنابراین پرونده برای تعیین تکلیف به هیات عمومی دیوان عالی کشور رفت. 50

قاضی دیوان برای بررسی پرونده تشکیل جلسه دادند و در نهایت با اکثریت آرا مرد جوان را مجرم شناختند و رای دادگاه کیفری را مورد (منبع تایید قرار دادند).

پرونده برای طی کردن مراحل قانونی جهت اجرای حکم به دادسرای اجرای احکام فرستاده شد و روز گذشته پیشنهاد شد این مجرم در میدان آزادی اعدام شود.

قضات شعبه 77 برای بررسی این پیشنهاد تشکیل جلسه دادند که به زودی تصمیم خود را اعلام می‌کنند

قاضی عزیزی وکیل و قاضی سابق دادگستری در این زمینه می‌گوید: ممکن است متهم ابتدا نزد قاضی اقرار ولی بعد انکار کند که این جا قاضی می‌تواند با استفاده از علم خود حکم صادر کند. وی با اشاره به این که یکی از راه‌های دیگر اثبات جرم، حضور 4 شاهد می‌باشد، گفت: زمانی که 4 شاهد برای اثبات جرم وجود نداشته باشد، قاضی می‌تواند به علم خود رجوع کند.

## قانون پاسخگو نیست

امیر کریم نیا کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و وکیل پایه یک دادگستری نیز معتقد است: اگر به دیده تحقیق بنگریم، معلوم می‌شود که تجاوز به عنف، در سیستم قضائی ایران قابل اثبات نیست. زیرا متهم اقرار نمی‌کند. اگر برای اقرار وی نیز شرایط خاصی قائل شویم، اقرار موضوعاً منتفی است.

چون فرض بر این است که تجاوز با زور و عنف صورت گرفته است، لذا شاهدهی نیز نمی‌تواند وجود داشته باشد در نتیجه فعل ارتكابی را نمی‌توان ثابت کرد.

چنان دلایلی که ایمان قاضی را به معنوی پیدا کرده است. آن - های اثبات دعوی کیفری جنبه علمی چنانکه گفته شد در دنیای امروز راه وقوع جرم تقویت می‌کند و برای او جای تردید باقی نمی‌گذارد.

در چنین دنیایی قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران و در کنار آن رویه‌های قضائی و عملکرد دادگاه‌ها برای این ادله جایگاهی نمی‌شناسد و به ویژه جرائم منافی عفت را تنها با راه‌های سنتی قابل اثبات می‌داند.

- تردیدی نیست که دلایل علمی. کنداندازد و موجبات نگرانی شهروندان را فراهم می‌روشی که امنیت جامعه را سخت به مخاطره می‌معنوی می‌تواند در کنار دلایل قانونی و در جهت تکمیل آنها کاربرد داشته باشد.

(منبع) تواند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه امروزی ایران باشد. اصلاح قوانین موضوعه با این دیدگاه می‌اما آیا اقرار زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند، نمی‌تواند دلیلی محکم برای صدور حکم از سوی قاضی شود.

سیدجلال عزیزی گفت: طبق شرع و قاعده حقوقی اقرار هر کسی علیه خودش نافذ است ولی اقرار زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته اند، (منبع برای علم قاضی مهم است و جزو قرائن و شواهد محسوب می‌شود).

وکیل قوه قضاییه می‌گوید: در هر جای کشور که دادگاه کیفری حکمی مثل حکم اعدام یا تبرئه صادر کند، حکم برای تایید باید به دیوان عالی کشور ارسال شود و اگر دیوان عالی رای دادگاه کیفری را نقض کرد، پرونده را به شعبه هم عرض در دادگاه همان استان ارجاع می‌دهد و اگر دادگاه هم عرض، هم بر خلاف نظر دیوان رای داد و همان حکم شعبه اولی را صادر کرد، این حکم به شعبه دیوان عالی که قبلاً حکم را نقض کرده می‌رود و در آن جا این شعبه موضوع را به هیئت عمومی دیوان ارجاع می‌دهد و می‌نویسد که مثلاً رای ما، قتل متهم است ولی هم شعبه اولیه دادگاه کیفری و هم شعبه هم عرض نظر ما را نپذیرفتند و حکم به تبرئه دادند و ما صالح به رسیدگی

این موضوع نیستیم.

عزیزی افزود: متعاقب این موضوع، پرونده در هیئت عمومی دیوان عالی کشور که متشکل از سه چهارم قضات حدود ۳۳ شعبه اعم از رئیس، مستشار و عضوهای معاون هستند، بررسی می شود و در آن جا ابتدا دادستان کل کشور یا نماینده او سخنانی را ایراد می کند و بعد موافقان و مخالفان حکم دیوان عالی نظرات خود را می گویند. در آخر نیز دادستان و یا نماینده او نظر خود را درباره حکم پرونده می گویند به «رای اصراری» گوید و سپس رای گیری می شود و هر رایی که اکثریت داد را انشا می کنند و آن رای را که اصطلاحاً به آن هیئت عمومی دیوان عالی کشور رای بدهند. همراه پرونده، به شعبه دیگری از دادگاه کیفری استان ارسال می کنند تا

## کودکان زندانیان، کودکان فراموش شده



1gozareshgaran عکس:

روزنامه نگار - ماهرخ غلامحسین پور

هیچ نقطه‌ای از جهان به تاریکی زندانی نیست که میزان کودک بی‌گناهی باشد. بسیار پیش می‌آید که کودکی در زندان زاده می‌شود یا مادری به زندان می‌افتد و چون کسی بیرون از زندان حاضر به نگهداری آن کودک نیست، او همراه با مادرش میهمان چهاردیواری زندان می‌شود.

فضای تاریک و خفقان آور و فضایی که نه نشانه‌ای از شادی و نشاط دارد و نه مناسب با رشد یک کودک سالم است، کودکانی که میان مجرمین عادی و خطرناک روزهایشان را سر می‌کنند و متاثر از همه اتفاقات زنداند و طبیعتاً نمی‌توانند به اندازه کودکان بیرون از زندان شاد رها باشند. و

بسیارند کودکانی که بیرون از زندان با یکی از والدینشان در انتظار دیگری که در زندان است، روزهایشان را شب می‌کنند، کودکانی که در فضای عمومی مدرسه، کوچه، اجتماع و اقوام از زندانی بودن پدر یا مادرشان شرمگین هستند، دل‌تنگ می‌شوند، رویای خانواده ایی که تمام و کمال باشد و روزهای تعطیل را به شادمانی در کنار یکدیگر سپری کنند، برایشان رویای دوردستی است. شرایط کودکانی که والدینشان بنا به ارتکاب هر جرمی در زندان هستند، هم کمتر از کودکانی که به ناحق ساکن زندان شده اند دردناک نیست.

در فیس بوک برخورد کردم مصمم شدم با دست اندرکاران COIPI وقتی به طور اتفاقی با عنوان موسسه غیر انتفاعی کودکان زندانیان این تشکل گفت‌وگو کنم و از آنان بپرسم چطور به کودکان افراد زندانی کمک می‌کنند و راهکارهایی که در این باره ارائه می‌دهند، شامل چه مواردی است؟

گوید هشت سال سابقه روزنامه نگاری آزاد داشته است. او موسس سازمان غیرمقاله نویسی است که در معرفی خودش می «حامد فرمند» انتفاعی کویبی است و با خوشرویی دعوت مرا برای این گفت‌وگو می پذیرد. این موسسه به منظور حمایت از کودکان افراد زندانی یا کودکانی که به ناچار در زندان به سر می‌برند راه اندازی شده و او در این گفت‌وگو از برنامه‌هایی می‌گوید که می‌توان با توسل به آنها از رنج این کودکان را کاهش داد:

ممکن است بگویند مشکلات عمده کودکانی که والدینشان در زندان هستند چه نوع مشکلاتی است؟

آنهايي که خودشان در زندان به دنيا آمده يا مدت زماني را با مادرشان در زندان تجربه کودکاني که پدر يا مادرشان در زندانند و! ببينيد گذرانده‌اند متفاوت است و در نتيجه آثاري که اين اتفاق بر آنها مي‌گذارد نيز فرق خواهد داشت.

اين آثار حتي در مورد کودکان یک خانواده که به ظاهر شرايط یکساني داشته‌اند مي‌تواند متفاوت باشد. اين تفاوت هم علت‌هاي متعددي دارد؛ سن کودک، جنسيت او، نسبت فرد دستگير شده (پدر يا مادر)، رابطه عاطفي فرد دستگير شده با کودک، قبل و حين دستگيري، شرايط خانوادگي، و حتي خصوصيات روان‌شناختي فردی کودک که بخشي از آن ممکن است ژنتيکي باشد، عوامل گوناگوني هستند که مي‌توانند آثار زنداني شدن پدر يا مادر بر کودک را شکل دهند.

با اين حال قانون به همه اين کودکان نگاه یکساني دار؟

خير. بستگي به قوانين کشورها دارد؛ شيوه اجراي قوانين و نحوه برخورد کشورهای مختلف با اين کودکان متفاوت است. به عنوان مثال قانون نگهداري کودک تازه به دنيا آمده تا سن خاصي، که معمولا یک سال يا بيشتر است، همراه مادر زنداني، به عنوان قانوني انساني و حق طبيعي مادر در بسياري از کشورهای توسعه يافته يا در حال توسعه، با در نظر گرفتن نوع جرم، اجرايي مي‌شود. اما در برخي از اين کشورها، فضاي مجزايي براي مادران و فرزندان تدارک ديده مي‌شود و اين افراد از امکاناتي مانند پزشک مخصوص کودک؛ محل بازي و وجود دارد که مادري که با کودکش ارتباط دارد، کمتر - شود که از تحقيقات علمي ناشي مي - اين باور هاي آموزشي برخوردارند و کلاس احتمال بازگشت وي به زندان وجود دارد. در صورتي که در زندان‌هاي ايران، طبق اطلاعاتي که ما داريم، اين شرايط فراهم نيست و کودک و مادر در فضاي مجزايي نگهداري نمي‌شوند و همين موضوع، به تنهائي مي‌تواند آسيب‌هايي را براي کودک به همراه داشته باشد.

از چه نوع آسيب‌هايي صحبت مي‌کنيد؟ ممکن است برخي آثار زنداني شدن والدين بر کودک يا نگهداري خود کودک در زندان را عنوان مي‌کنيد؟

و ارتکاب جرم يا يا اختلال اضطراب بازگشت به «زندان» اضطراب، استرس شديد، ايجاد اختلال در وضعيت تحصيلي، پيوستن به چرخه تراما (تجربه کردن شرايط تراما، در موقعيتي که ظاهرا هيچ ارتباطي به شرايط تراما ندارد) و ايجاد اختلال در ارتباط با والدين بعد از بازگشت از زندان تنها بخشي از اين آسيب‌ها هستند.

عمده فعاليت‌هاي شما در چه حوزه اي است؟

ما یک موسسه بين المللي غير انتفاعي حمايت از کودکان هستیم. موسسه‌اي که با هدف کمک به بهبود شرايط کودکاني که والدين زنداني داشته يا دارند، تاسيس شده و قصد دارد تا با حمايت از برنامه‌هايي که به بهبود وضعيت اين کودکان کمک مي‌کند، شرايطي را فراهم آورد تا تجربه اين کودکان، به آسيب‌هاي روحي و جسمي در بزرگسالي آنها تبديل نشود.

ممکن است بگوييد منظورتان از کمک دقيقا چه جور کمک‌هايي است؟

هاي آموزشي و حمايتي از والدين، شود و هم برنامه‌ها مي‌هاي آموزشي، حمايتي و درماني براي خود بچه‌ها شامل مجموعه برنامه‌اين کمک خانواده، اطرافيان و افراد مرتبط مثل مسئولان و ماموران قضايي را هم در بر مي‌گيرد.

خود شما با کودکاني که در زندان به دنيا آمده‌اند تا کنون مواجه شده‌ايد؟

من با کودکاني بود که تجربه زنداني شدن پدر و بله. اساسا فکر اوليه و هسته شکل گيري موسسه کويبي به دليل ارتباط و تجربه شخصي مادرشان را داشته و يا حتي برخي از آنها، خودشان هم همراه مادرانشان زنداني بوده‌اند.

براي کاهش آثار زندان بر روحيه اين کودکان چه پيشنهادهائي داريد؟

دقت کنيد نه آثار زندان بر تمام کودکان یکسان است و نه پيشنهادهائي که براي کاهش اين آثار مطرح مي‌شود براي همه جواب یکسان دارد. حمايت خانواده، ارتباط سالم با پدر يا مادر (در صورتي که خارج از زندان هستند)، داشتن شرايط براي بيان احساسات، و در صورت نياز مراجعه به متخصص، از جمله مواردی است که در اغلب تحقيقات به آنها اشاره شده است.

به عنوان مثال کودکاني که از حمايت اعضاي خانواده برخوردارند و والدينشان به دليل زنداني شدن، سرزنش نمي‌شوند، امکان بهتري براي درمان آسيب‌هاي وارد شده به خود را دارند. قطعا منظور از سرزنش نشدن، تايد کردن نيست.

همکاران شما در زمينه تراپي يا مسائل آموزشي هم براي اين گروه فعاليت مي‌کنند؟

ما در شش حوزه آموزش، مربی گري، حمايت مالي، حمايت قانوني، برنامه‌هاي ملاقات با والدين زنداني و کمک‌هاي درماني رواني و

جسمی فعالیت می‌کنیم.

به این ترتیب، برای بچه‌ها، چه بچه‌های بزرگ شده داخل زندان و چه سایر بچه‌ها، برنامه‌های مختلف از جمله آموزشی و درمانی در نظر گرفته‌ایم.

گمان می‌کنید با آموزش می‌شود تاثیر و عوارض خشونت را به طور کامل از روح این کودکان زدود؟

منظور ما از آموزش، الزاما آموزش کودکان نیست، آموزش والدین، خانواده، اطرافیان، و به طور کلی جامعه است. البته در مواردی که امکان آموزش مسئولان و مجریان قضایی فراهم باشد، آموزش این دسته از افراد هم کمک زیادی به بهبود شرایط کودکان خواهد کرد.

اما قطعاً آموزش تنها راه کمک به شرایط کودکان نیست. کمک درمانی به خصوص درمان آسیب‌های روحی، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که برای این کودکان ضرورت دارد. بهبود شرایط ملاقات، در صورت امکان، کمک‌های مالی برای تامین حداقل‌های مهم چرخه کمک به کودکان والدین زندانی‌گری و بهبود قوانین در صورت میسر بودن شرایط، از دیگر بخش‌نیازهای کودکان، مربی هستند.

ها با توجه به شرایطها باید چکار کنند؟ به طور مثال روش‌های تشویق و تنبیه برای آن کودکان، خانواده در مورد شیوه برخورد با اینگونه خاص و نبودن پدر و مادر باید چه شرایطی داشته باشد؟

یکی از نکاتی که بر روی آن تاکید زیادی می‌شود این است که قرار نیست به این کودکان به عنوان قربانی نگاه شود. به این معنا که قرار نیست برخورد ویژه‌ای در مورد روش‌های تربیتی با این کودکان بشود به دلیل آنکه شرایط ویژه‌ای دارند. از جمله اصلی‌ترین توصیه‌های نوعی فقدان یا از «توان‌دارند» که زندانی شدن پدر یا مادر را هم می‌«از دست دادن» هایی که کودکان تجربه‌شناسان به خانواده‌روان‌های تربیتی بلکه درتلقی کرد، این است که نظم زندگی آنها بر هم نخورد. به همین دلیل، آنچه باید مراقب باشیم، نه در شیوه «دست دادن» ایجاد شرایط مواجهه با بحران است.

ممکن است به طور مصداقی بگویید دقیقاً خانواده‌ها باید چگونه برخورد کنند؟

مهم‌ترین نکته‌ای که خانواده این کودکان باید در نظر بگیرند این است که زمینه‌ای فراهم کنند که کودک بتواند احساساتش را بیان کند. این بخش، یکی از مهم‌ترین مراحل درمان محسوب می‌شود. ایجاد و حفظ رابطه عاطفی خانواده با کودک نیز به عنوان چتر حمایتی برای او عمل خواهد کرد. اما باز هم یادآوری می‌کنم که این چتر حمایتی، به معنای قربانی فرض کردن کودک نیست. بلکه رابطه امنی است که فرصت بازسازی روحی را به کودک می‌دهد.

در جایی خواندم که موسسه شما نسبت به انتشار فیلم دختر سهیل عربی که به اعدام محکوم شده در فضای مجازی مخالفت کرده است؟ علت این مخالفتان چه بود؟

نقد ما به انتشار تصاویر کودکان زندانیان، دو بخش دارد یکی انتقاد حقوقی و دیگری انتقاد به نتایج این کار بر روی کودکان و خانواده آنان. نقد حقوقی من این است که به دلیل اینکه این کودکان در موقعیتی نیستند که برای استفاده از عکس و فیلمشان به هر منظوری، مجوز بدهند، این کار از نظر حقوق کودک ایراد دارد. ضمن آنکه ما ناخودآگاه آنها را به موضع‌گیری در مورد والدین زندانشان وادار کرده‌ایم که این هم با اصل رعایت حقوق کودک منافات دارد.

البته این استدلال از سوی افرادی که این تصاویر را تهیه یا منتشر می‌کنند مطرح است که ما از شرایط زندانیان در ایران حرف می‌زنیم. در این شرایط ما ناچاریم تا به جلب نظر عمومی دست بزنیم تا شرایط خانواده آن کودک را بهتر کنیم. من تنها می‌توانم به گفتن این نکته، باز هم نقض حقوق کودک است. «شرایط خاص» بسنده کنم که نقض حقوق کودک به دلیل

با وارد کردن ناخواسته کودکان به موضوع چالش آزادی یا کاهش مدت زندان یا جلوگیری از اعدام والدین کودک، بار روانی خاصی را بر کودک تحمیل کرده‌ایم که بدون توجه به آن، کودک در بزرگسالی می‌تواند با مشکلات روانی جدی مواجه شود.

دهید؟ اما با توجه به اینکه شما در ایران ساکن نیستید این خدمات را چگونه به کودکانی که والدینشان در ایران زندانی هستند ارائه می‌این فاصله مکانی نمی‌تواند مانع کار و فعالیت شما باشد؟

برای ایران، چند مرحله فعالیت در نظر داریم که بخشی از آن، آغاز شده و برای بخش‌های دیگر، مقدماتی لازم است که در حال برنامه‌ریزی برای اجرای آن‌ها هستیم. انتشار مطالب آموزشی، در قالب پیام‌های کوتاه، انتشار مطالب علمی و دست‌آوردهای علمی مرتبط با کودکان زندانیان و کودکانی که تجربه از دست دادن دارند. در حال حاضر، وبسایت کوپبی به دو زبان فارسی و انگلیسی مطالب مختلف آموزشی را منتشر می‌کند و پیام‌های آموزشی نیز از طریق صفحه فیس‌بوک، توئیتر و گوگل پلاس باز هم به دو زبان انتشار پیدا می‌کند.

ارتباط با واسطه با خانواده و کودکان زندانیان و در اختیار گذاشتن مطالب آموزشی. از یک طرف در حال تکمیل ترجمه یک جزوه کوتاه آموزشی برای خانواده زندانیانی که کودکانی را در خانه دارند هستیم. در این مرحله، تطبیق این متن با فرهنگ و قوانین موجود در ایران، ضروری است تا قابلیت استفاده برای این افراد را داشته باشد. از طرف دیگر در حال برقراری ارتباط با افرادی هستیم که امکان توزیع جزوه بین خانواده زندانیان را فراهم کنند

از سوی دیگر در تلاشیم با موسسات فعال در حوزه کودک و حقوق زندانیان در ایران تماس بگیریم و اطلاعات و دستاوردهایمان را در اختیارشان بگذاریم.

از سوی دیگر ارتباط مستقیم با خانواده زندانیان و افراد مرتبط با آنها برای اجرای برنامه‌های آموزشی، حقوقی و مربیگری مد نظر ما است. این ارتباط با اجرایی شدن فعالیت‌های معرفی شده در بالا و گذشت زمان، برقرار می‌شود. نحوه اجرای آن، از دو طریق راه دور و مستقیم خواهد بود. به عنوان مثال، تجربه‌های موفق در مورد آموزش از راه دور برای شهروندان ایرانی وجود دارد. موسسه کوپبی تمام تلاش خود را خواهد کرد که برنامه‌های خود را با همکاری موسسات موفق موجود اجرایی کند. در غیر این صورت، از تجربه آنها بهره خواهد برد.

آیا برنامه‌ای هم برای برقراری ارتباط با مجریان و دستگاه‌های قضایی دارید؟

بله برقراری ارتباط با قانون‌گذاران و مجریان قانون. اعتقاد داریم که رعایت حقوق کودکان و از جمله مراقبت از حقوق کودکان زندانیان، به نفع همه خواهد بود. پس تلاش می‌کنیم تا برای تغییر بخشی از قوانین و اجرایی کردن قوانین مرتبط با حقوق کودک و زندانیان و شهروندان، از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم.

## قربانیان پنهان: کودکانی که والدینشان در صف اعدام هستند



نتر23 عکس:

مترجم: شبنم صبا

اسم من تانیاست. در زندان متولد شدم و همان روز تولدم به پدرم تحویل داده شدم. هر دو والدینم فعالین سیاسی بودند. در ماه مارچ ۱۹۸۱، زمانی که فقط یک سال داشتم، جسد مادرم که ۸۲ سال داشت به خانواده مان تحویل دادند و پدرم سه روز بعد به تبعید فرستاده شد. من هیچ وقت داشتن خانواده را تجربه نکردم و به عنوان یک زن جوان نمی‌دانم داشتن مادر چگونه است. من مصرانه از همه را تصویب نکرده‌ام که می‌خواهم که آن را "دومین پروتکل اختیاری پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی" کشورهای که هنوز تصویب کنند و آرزو می‌کنم روزی برسد که هیچ پدر و مادری اعدام نشوند و هیچ کودکی بدون حمایت پدر و مادرش نباشد. (تانیاستان زندگی اش را در مناظره شورای حقوق بشر که درباره حقوق انسانی کودکانی که والدینشان به مرگ محکوم و یا اعدام شدند تعریف کرد).

مطالعات محدودی درباره تجربه کودکانی که والدینشان به مرگ محکوم؛ و یا یکی از آنان اعدام شده انجام گرفته است. هر چند از اطلاعات موجود واضح است، کودکانی که والدین خود را به دلیل محکومیت‌های طولانی و یا اعدام از دست داده‌اند از غم و اندوه و ضربه‌های روحی بلند مدت و عمیق رنج می‌برند. این فقدان می‌تواند به دلیل اینکه آنان اغلب بدون کمک و تکیه‌گاه، مانند نداشتن سرپناه، سرپرست، و عدم امکان تحصیل رها می‌شوند فاجعه‌برانگیز باشد. این کودکان، که هیچ کس از تعداد واقعی آنها مطلع نیست، اغلب در جامعه با تحقیر و تبعیض روبرو می‌شوند.



، در میزگرد شورای حقوق بشر درباره حقوق انسانی کودکانی که والدینشان به Flavia Pansieri معاون کمیساری عالی حقوق بشر، بیش " مرگ محکوم شده و یا اعدام می شوند، توجه حضار را به تمایل روز افزون کشورها، به لغو مجازات اعدام جلب کرد. به گفته وی " از ۵۱ عضو از ۳۹۱ عضو کشورهای عضو سازمان ملل متحد حکم اعدام را یا متوقف کرده اند و یا اجرا نمی کنند.

اظهار کرد، کشورهای عضو که هنوز از مجازات اعدام استفاده می کنند، باید بدانند چگونه با عواقبی که استفاده Pansieri اگر چه از مجازات اعدام بر روی جامعه، به خصوص بر روی خانواده افرادی که به مرگ یا اعدام محکوم شده اند، بر جای می گذارد مقابله کنند.

همکاری و در برخی کشورها با کودکانی که والدین شان به مرگ و یا " اشک های صبحگاه " دفتر یار حقوقی که با سازمان یک چین، تجربه کودکانی Henan ، پایتخت استان Zhengy hou محکومیت های بلند مدت مجازات شدند کار می کند، در پروژه ای در نمی خواهد، حتی خانواده ها و اقوامشان، و بیشتر "هیچ کس آنها را واقعا "معمولا" که سرپرستی آنها را به عهده داشت شرح می دهد. آنها از خانواده های تنگدست هستند. اغلب کودکانی که به اینجا می آیند حداقل به مدت یک سال اینجا می مانند اما در بیشتر موارد، " برای ۰۱ سال و یا بیش از آن ماندگار می شوند.

، نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل برای خشونت علیه کودکان، در اظهاراتی که از سوی او برای شورا قرائت شد Marta Santos Pais "صدور حکم اعدام برای والدین، برخورداری طیف وسیعی از کودکان را از حقوقشان به خطر انداخته است." می گوید:

حقوق بشر" ، مدیر بحث و مذاکرات، نماینده دائم بلژیک در سازمان ملل در ژنو، لزوم رویکرد Bertrand de Crombrugghe . او گفت، دولت ها باید "کودکان نباید بهای کاری که پدر و مادرشان مرتکب شده اند بپردازند " را بر شمرند، و بیان کرد " دوستانه مسئولیت عواقب ناخواسته سیستم عدالت کیفری خود را به عهده گیرند.

تجربه این Rwan دانشیار دانشگاه Sandra Jones شمار کودکانی که والدینشان با مجازات اعدام مواجه می شوند نامعلوم است. به کودکان بسیار دردناک است. او می گوید که این کودکان به شدت احساس تنهایی می کنند، آنها خود را منزوی کرده و از شرم درونی و انتظار خبر کشته شدن والدین شان رنج می برند. اغلب، این کودکان احساس می کنند باید مدافع والدین زندانی شان باشند و با وحشت مجبورند با بسیاری از مسائل روانی، افسردگی، اضطراب، مشکلات رفتاری و خشم مقابله "زندگی کنند. به گفته او، این کودکان معمولاً می کنند.

، یک سازمان غیر دولتی مستقر در اوگاندا، با ارائه امکانات تحصیلی و رفاه عمومی، از کودکانی که یکی از والدین "چشمه امید" مرکز ، مدیر اجرایی سازمان، اگرچه آخرین اعدام در اوگاندا Francis Ssuubi آنان یا هر دوی آنها در زندان هستند حمایت می کند. به گفته انجام شد، اما هنوز ۸۰۴ نفر دیگر در انتظار اعدام هستند. کودکان کسانی که محکوم به مرگ هستند شناسایی نمی در سال ۹۹۹۱ شوند، برخی همچنان بر این باورند که جرم والدین باید با کودکان قسمت شود.

از کشورها درخواست کرد تا دستگاه عدالت کیفری کودک محوری را در نظر بگیرند که به کودکان اجازه تماس بین آنها و Ssubi والدینشان در زندان را بدهد.

، از مرکز ملی حقوق بشر اردن، بیان داشت بسیاری از مؤسسات حقوق بشر می توانند نقش مؤثری در حفاظت از Nisreen Zerikat حقوق انسانی کودکان زندانیان محکوم به اعدام، به خصوص با تسهیل بازدید از زندان فراهم کنند.

، از کمیته سازمان ملل متحد درباره حقوق کودکان، تاکید کرد زمانی که والدین حکم اعدام Jorge Cardona مدرس دانشگاه ، دریافت می کنند، منافع کودکان باید به بهترین وجه در نظر گرفته شود. وی بیان داشت، کشورهایی که عضو مجمع حقوق کودک هستند از نظر قانونی موظف به ایجاد ارزیابی تصمیماتی هستند که در ارتباط با کودکی اتخاذ می شود .

در آخرین گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد، با تاکید بر اینکه اینجا به یک اقدام سریع نیاز هست وضعیت کودکانی که والدینشان با بررسی کلی تاثیر سیستم اشد مجازات، " مجازات اعدام روبرو بوده و نیز کودکانی که والدین آنها اعدام شده اند اشاره شده است؛ که " شامل اثرات اجتماعی، اقتصادی و روانشناسی بر روی کودکانی که والدینشان اعدام شده یا حکم اعدام گرفته اند

، و گزارشگر ویژه Christof Heyns در تاریخ ۰۱ اکتبر، روز جهانی بر علیه مجازات اعدام ، گزارشگر ویژه اعدام های فرا قضایی ، از جامعه بین المللی تقاضا کرد که تلاش های جهانی برای غیر قانونی شماردن همیشگی مجازات Juan E.Menedez شکنجه، اعدام را شدت بخشند.

کارشناسان در حالی که نگرانی عمیق خود را درباره از سر گیری اخیر اعدام ها در تعدادی از کشورها بعد از یک دوره طولانی رعایت هنوز کشورهایی وجود دارند که برخلاف استانداردهای تعیین شده قوانین بین المللی، " کردن ممنوعیت اعدام ابراز کرده و اظهار می کنند: " مردمشان را همچنان اعدام می کنند

## مجازات "زنا با محارم" برای هر دو طرف "اعدام" است



### پژوهشگر حقوقی - حسین رئیسی

گلنار، نام زیبایی است، این نام را من برایش برگزیدم تا حتی خودم هویت واقعی او را ندانم. او در یکی از رشته های مهندسی دانشگاه ناراحتی آزاد درس می خواند. هر وقت دانشگاه تعطیل می شد، برخلاف بقیه بچه ها مضطرب و نگران به نظر میرسید و خوشحال نبود. رود تا مشاوره بگیردمی خود را کتمان نمی کرد. از تعطیلات چند روزه متنفر بود. یک روز گلنار به دفتر یکی از اساتید رشته روانشناسی برای رفتن به خانه را ندارد با مشاورش مطرح می کند . اشتیاقی و همان روز دلیل اینکه چرا هیچوقت

از قضا استاد مشاور که دوست من بود با من تماس گرفت تا جنبه های حقوقی اتفاقی که سبب شده بود گلنار را از شوق رفتن به خانه بازدارد، مطرح نماید.

تجاوز می کند و بعد از مدتی به ماجرا از این قرار بود که از سال ها پیش یعنی از زمانی که گلنار تنها سیزده سال داشته ، برادرش به او ادامه داده است. زمانی که اذیت و آزار و تجاوز جنسی دختر جوان و به شکل عادت در آمده دلیل سکوت گلنار ، این کار برای برادر به ! دلیل عمده تعجب هم به خاطر استمرار تجاوز برای چندین سال بود. استاد، داستان دخترک جوان را مطرح کرد ابتدا تعجب کردم

جستجو فکری برای پاسخ دادن به این پرسش که چه حقوقی برای گلنار متصور است و چگونه او می تواند خود را از این شرایط نجات بعد از دهد و از حمایت حقوقی بهره مند کند، در ذهنم غوغایی برپا کرد. از استاد خواستم تا فرصت بیشتری برای پاسخ داشته باشم و ملاقات با گلنار جواب بدهم.

یکی از روزهای گرم تابستان او به اتفاق یکی از همکلاسی هایش که سنگ صبور گلنار بود به دفتر من آمدند. از پیش خود را برای روبرو با خودم گفتم او نیاز به راهنمایی دقیق دارد. باید با دقت و همه جوانب موضوع را باز و مطرح کرد. شدن با یک قربانی آماده کرده بودم،

به دلیل اینکه ضمانت ها و حمایت های حقوقی به خصوص در باره ماجرای گلنار و ماجراهای شبیه آن ، در کشور ما بسیار نا مطمئن هستند و قربانی را در شرایط سخت روحی و روانی قرار خواهد داد. اظهار نظر روشن و دقیق فوق العاده سخت بود.

زمانی که گلنار وارد شد شرم در چشمان و صورتش هویدا بود. او بدون دلیل شرمگین بود، نیازی به بازگویی مطالب آزار دهنده نداشت. به او گفتم نیازی به بیان صورت مسئله نیست. به اندازه کافی یادآوری موضوع تو را آزار می دهد، پس بهتر است راه حل های ممکن برای اقدام حقوقی را بررسی کنیم. با خانواده ات و انجام این موضوع طرح

ادامه دادم، برای رهایی از استمرار خشونت راه حل های حقوقی را با شما مطرح می کنم، در نتیجه تمرکز ما بر راهکارهای حقوقی است. برای این امر باید به همه جوانب موضوع از جمله نکات زیر توجه کرد.

### دلیل استمرار عمل تجاوز: نخست

فضای پیرامون، وظیفه والدین احتمال وقوع خشونت در مکان های مختلف و برای همه کودکان و یا زنان وجود دارد، از این رو توجه به اطرافیان آنان است. عدم آگاهی اطرافیان و شاید غیر قابل تصور بودن موضوع برای آنها، سبب وقوع خشونت می شود. در مورد گلنار بی استمرار تجاوز شده بود. و اطلاعاتی موجب سکوت قربانی

به او گفتم: این نخستین بار است که شما سکوت خود را شکسته اید. با این حال تاکنون خانواده و متجاوز از این اتفاق بی خبر هستند. برای رهایی از استمرار خشونت ضروری است باور کنید، هیچ خطا و حتی سهل انگاری متوجه شما نبوده و سکوت را بکشید. حال زمان آن فرا رسیده تا خانواده ات و متجاوز نیز از موضوع با خبر شوند.

### گام دوم:

متجاوز طرح موضوع اگر همراه با قرار دادن دو طرف زیر یک سقف باشد خطرات جدی او را تهدید به دلیل قرابت نزدیک بین گلنار و می کند. از این رو از گلنار درخواست کردم قدری در باره خانواده اش توضیح دهد، بعد از سخنانش از او خواستم تا اجازه دهد به پدرش در این باره گفتگو کنیم.

که سرم شلوغ است و با اجازه او به پدرش تماس گرفتم و از او خواهش کردم تا هر زمان می تواند به دفتر من بیاید. او ابتدا بهانه آورد گرفتارم، امکان سفر ندارم. از این رو از وی خواستم تا از طریق تلفن به حرف هایم گوش دهد.

در برخی از این موارد ممکن است مرتکب به کلی موضوع را انکار نماید و یا اینکه برعکس انتظار، موضوع را بپذیرد و امکان حل خانوادگی آن و حتی تا حدودی عادی سازی روابط نیز فراهم گردد. از این رو بررسی این ابعاد نیز با اتکاء به شرایط عدالت ترمیمی می تواند با باز توانی یا توان بخشی قربانی و همچنین رفع خطر در مرتکب منجر شود.

اتفاقات غیر قابل باوری در اطرافمان رخ می دهد و با در نظر داشتن همه شرایط، پس از آماده کردن ذهن پدر گلنار با این جمله، که گاهی بی خبر از آن هستیم، ماجرا را برایش بازگو کردم.

کمک خانواده و اطرافیان برای تحمل موضوع بدون قضاوت کردن در باره قربانی و متجاوز بسیار اهمیت دارد. اگر خانواده موضوع را به خوبی مدیریت کند، با گفتمان دقیق امکان بررسی ریشه ای مشکل و ممانعت از تکرار آن و ایمن سازی محیط برای قربانی و همچنین بازدارندگی مرتکب از تکرار این رفتارها وجود دارد. از این رو جامع نگری و مطالعه همه ابعاد قضیه و کمک گرفتن از روانشناس حقوق دان مفید خواهد بود.

### گام سوم:

تشریح مجازات این جرم و چگونگی اثبات آن گام بعدی بود. در این گام مجازات قانونی و شرایط احراز آن بررسی می شود.

برای هر دو طرف "زنا یا محارم" اقدام قانونی من به عنوان وکیل گلنار، برادرش را در معرض حکم اعدام قرار می داد. چون مجازات پس از اثبات عنف و است، اگر یکی دیگری را به زور مورد تجاوز قرار دهد، فقط متجاوز به اعدام محکوم می شود. البته "اعدام" اگر با قربانی است اگر در قربانی این امکان فراهم است. متأسفانه ارائه دلیل برای اثبات عنف و

بهتر است پاره ای ببینید و در وهله نخست قبول کنید تا گلنار در شهرستان محل تحصیل بماند و به منزل در ادامه به پدر گلنار گفتم: باز نگردد. پدر گلنار به خوبی به حرف هایم گوش داد، احساس بسیار بدی در او مستولی شده بود، سعی کردم خودم را جای او بگذارم و دلداریش دادم. اما او طاقت نیاورد و بالاخره صدای گریه اش بلند شد.

اندکی بعد قدری آرام گرفت و قبول کرد تا او برای دیدار گلنار به اتفاق همسرش عازم شهرستان محل تحصیل شوند.

بعد از چند روز به دفتر من آمدند و گلنار نیز همراه آنها بود. هر دو شدیداً ناراحت بودند. چاره ای نبود. باید دقیق و سنجیده عمل می شد.

بار سنگین این اتفاق از یک سو و سنگین تر، سیستم دادرسی اسلامی است که در این باره اجرا می گردد از دیگر سوی، فضای تصمیم ناراحت کننده تر این بود که طرح موضوع گلنار را به شدت درگیر خود خواهد می ساخت گیری را فوق العاده دشوار ساخته بود. و

## گام دیگر:

ار آنجایی که شکایت کیفری از دو جهت خطرناک بود، اول اینکه گلنار و برادرش را در معرض اتهام زنا با محارم قرار می داد، و بر اساس ماده 224 قانون مجازات اسلامی مجازات این جرم برای دوطرف اعدام است، مگر اینکه قربانی اثبات کند مورد تجاوز به عنف و فقط متجاوز اعدام خواهد شد. همین ماده "ت" تنها در این صورت بر اساس بند! و تمایل به آن نداشته است اگرچه قرار گرفته،

در باره گلنار به دلیل اینکه شروع به تجاوز در سن کودکی رخ داده، امکان اثبات تجاوز تا حدودی آسان است، اما سکوت و استمرار عمل تجاوز، وی را در معرض اتهام تسلیم و رضایت به استمرار قرار می دهد. این درحالی است که تردیدی وجود ندارد که گلنار بی گناه بوده و هیچ تمایلی به این ارتباط نداشته است.

. از این رومحسوب خواهد شد برای قربانی شبیه به شکنجه همه این مسایل اثبات اگرچه اجبار را با مشکل روبرو می سازد و بیشتر درگیر کردن قربانی با نظام قضایی اسلامی که توجه دقیق به عمل متجاوز ندارد، بلکه نتیجه مجرمانه را بیشتر مورد توجه قرار می دهد، بسیار خطر آفرین و سبب آسیب روحی بعدی برای خواهد شد.

است، یعنی یا مرتکب اعدام باید گردد و یا آزاد، حالت دیگری وجود ندارد و "همه یا هیچ" قانون" باید توجه داشت که قانون در این جا و در! و متجاوز تنها به انکار نیاز دارد! برای رهایی قربانی از مجازات نیاز به اثبات عنف است که این موضوع نیز بر عهده قربانی است فرض اثبات تجاوز و زنا متجاوز حتما اعدام می شود، مگر اینکه قبل از اقرار توبه نماید و در این صورت حداکثر به کمتر از 100 ضربه شلاق محکوم می شود و پس از آن فوراً آزاد خواهد شد.

به این دلیل اغلب قربانیان و خانواده ها در چنین مواردی تن به شکایت نمی دهند، چنانچه پدر گلنار و خود او نیز با شنیدن این سخنان من گرفتند شکایت نکنند. به شدت نگران شدند و تصمیم

## نتیجه و راه حل

با توجه اینکه، خشونت های جنسی رقم بسیار بالایی در روابط میان انسان ها به خود اختصاص می دهد. مذموم و ناپسند بودن خشونت جنسی در همه فرهنگ ها و جوامع مطرح است، اما با وجود قبح وسیع این موضوع همواره رخ می دهد و زندگی قربانی را تباہ می سازد. برای رهایی از این نوع خشونت ها شایسته است تا عدالت را برای آنها جستجو کرد.

این نوع جرایم صرفاً با ادله شرعی در شرایط حقوقی کنونی عدالت محقق نمی گردد. چون امکان اثبات علمی جرایم وجود ندارد، و است، امکان پذیر می شود، سپردن قربانی به چنین شرایطی او را در معرض آسیب های بعدی که مهمترین آن اقرار و چهار شاهد عادل قرار می دهد. نتیجه این شرایط بازخورد عادلانه ای در پی نخواهد داشت.

یعنی جنگ بین متجاوز و قربانی و نتیجه آن اگر به عدم اثبات جرم و یا عدم اثبات عنف و اگرچه در قربانی منجر مجازات همه یا هیچ، شود قربانی را در معرض خطر جدی مجازات و حتی اعدام قرار خواهد داد. در فرض بی خطر بودن اقدام حقوقی برای قربانی به دلیل اعدام! متجاوز که از اقوام اوست، بار سنگین روانی بر قربانی وارد خواهد کرد

در همه! انتقام شخصی نیز وجود دارد برخورد با قربانی و همچنین چنانچه متجاوز به صورت متناسب مجازات نشود نیز خطر تکرار جرم و این موارد مردم عطای دستگاه قضایی اسلامی را به لقای آن ترجیح می دهند، مانند گلنار و خانواده اش که شرایط برای آنها بسیار سخت! تن به شکایت ندادند شده بود و

ضروری است. اصلاح قوانین بنابراین اصلاح قوانین حاکم بر این نوع جرایم و تغییر مقررات و روش های اثباتی تشخیص و اثبات جرم بدون نیاز به حضور و همراهی قربانی با متجاوز و متناسب کردن عمل مجرمانه با مجازات نیز حمایتی برای بررسی این نوع جرایم، ضروری است.

# امسال به یاد ریحانه خون می سوزانیم و اسفندم روی آتش است



عکس:

## فیروزه فروزانفر - روزنامه نگار

طراح دکوراسیون بود و مرتضی از او می خواهد برای انجام کار به دفترش مراجعه کند. ریحانه برای گفت و گو درباره کم و کیف کار به دفتر مرتضی می رود و پس از چند لحظه متوجه می شود که محل مورد نظر شباهتی به دفتر کار ندارد. مرتضی آب میوه ای به ریحانه تعارف می کند که آزمایشات پلیس نشان می دهد حاوی داروی بیهوشی بوده است. مرتضی در را قفل کرده و به ریحانه حمله می کند. دست هایش را دور کمر ریحانه گره کرده و با لحنی تهدید آمیز به دختر جوان می گوید: "راه فرار نداری". ریحانه که شدیداً "ترسیده است و خطر را در نزدیکی خودش می بیند با چاقو به کتف مرد که قصد تجاوز به او داشته می زند و فرار می کند. مرتضی در اثر خونریزی فوت می کند.

پس از چندی دختر جوان دستگیر می شود. کنترل مکالمات ریحانه جباری و مرتضی سرابندی اظهارات دختر جوان را تایید می کند که آنها قبلاً با یکدیگر آشنایی نداشتند و مرتضی جهت مسائل کاری با او در تماس بوده است.

پروانه حاجیلو هم بندی ریحانه می گوید: که این دختر جوان تحت فشارهای بازجویی و ضرب و شتم مجبور به اعتراف شده است. بعدها مشخص شد که مقتول از کارمندان رسمی یکی از ادارات دولتی است.

اما سوال اینجاست چرا باید ریحانه اعتراف به قتل سیاسی که از قبل برنامه ریزی شده است می کرده است؟! و چگونه در حالی که تمام مستندات حاکی از دفاع ریحانه از خود بوده چرا دختر جوان به اعدام محکوم شده است؟

در این میان مادر ریحانه جباری که تا به حال سکوت کرده با حکم اعدام دختر ۶۲ ساله و بی گنااهش روبرو می شود. شعله پاکروان مادر ریحانه که بازیگر و مدرس تئاتر است، دست به دامن افکار عمومی شده تا به کمک دختر جوانش بشتابند و فرزندش را از مرگ نجات دهند.

عبدالصمد خرمشاهی که وکیل پرونده است در گفت و گو با رسانه ها می گوید که حکم قصاص به وسیله شعبه ۴۷ کیفری استان به ریاست قاضی تردست صادر شد و ریاست قوه قضاییه با اجرای حکم قصاص موافقت کرده و حکم به اجرای احکام ارسال شده و قرار است جلسه صلح و سازش با خانواده مقتول برگزار شود. خانواده ای که تاکنون رضایت نداده است؛ ولی شاید با علنی شدن واقعیت و اصل ماجرا به وجدان خود مراجعه کرده و تغییر عقیده دهند. ریحانه از سال ۶۸۳۱ در زندان به سر برده و اتهام قتل را پذیرفته ولی اعلام نموده که به دلیل دفاع از خود مرتکب قتل شده است. دفاعی مشروع که هر یک از ما در موقعیت ریحانه قرار می گرفتیم چاره ای به جز مقاومت و عملی مشابه این دختر جوان نداشتیم.

در اینجا باید به ماده 625 قانون مجازات اسلامی در شرایطی که قتل به دلیل دفاع مشروع صورت می گیرد اشاره کرد که تصریح می کند: «قتل و ضرب و جرح هر گاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت موارد ذیل مرتکب مجازات نمی شود مشروط بر اینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می کرده است» و در ادامه در ماده 627 همین قانون سه شرط برای تحقق دفاع مشروع مقرر شده است: «1- خوف برای نفس یا عرض یا ناموس مستند به قرائن معقول باشد. 2- دفاع متناسب با حمله باشد. 3- توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان تری برای نجات میسر نباشد.»

در این میان آنچه مسلم است در سراسر پرونده و روند دادرسی یک نفر همواره مفقود است و آن فرد کسی جز مقتول نیست. از تحقیقات

مقدماتی تا همه بازجویی ها تا صدور حکم، اعمال و افعال و قصد و انگیزه مرتضی سرابندی مفقود است. اینکه مقتول که از لحاظ سنی جای پدر دختر محسوب می شد و خلاف شئون حرفه ای و حیثیت خود دختری را به بهانه کار به دفترش دعوت کرده و به او حمله کرده است؛ دختری که اغفال این مرد متمول و صاحب چاپخانه و ذی نفوذ در او اثر نداشت و در مقابل خواست نامشروع او ایستادگی کرد. فردی که بر اساس شواهد و اسناد ضبط شده پرونده در روز وقوع قتل قصد رابطه جنسی با مقتول داشته است.

در پایان این سوال از بازپرس و ۲ معاون دادستان باقی می ماند که چرا در بررسی این پرونده به شهادت های همکار ریحانه "شاهرخ" و کارکنان شرکت تیراژه واقع در خیابان مطهری کوچه درفش پلاک ۲۵ توجه نکرده اند؟

چرا مکالمات موبایل دیگر مقتول بررسی نشده و اگر شده چرا به راحتی از این مکالمات گذشته اند و چرا در نهایت ریحانه مشمول قانون دفاع مشروع نشد و به اعدام محکوم شد. اعدامی که مادر ریحانه در آستانه سال نو در یکی از پست های فیس بوکی خود نوشت: «امسال به یاد ریحانه خون می سوزانم و اسفندم روی آتش است.»

برای حمایت از ریحانه طوماری اعتراضی تهیه شده است که می توانید با مراجعه به این لینک، آنرا امضا کنید:

<http://goo.gl/mwfQS1>

---